

نگاهی به وضعیت سوادآموزی در دهه گذشته

سرعت حلزونی در عصر سرعت



عکس: فریض لطف الله

زهرا طاهری | ۳۵ سال
از روزی که نهضت سوادآموزی به دستور امام(ره) تشکیل شد می‌گذرد. در آن سال جمعیتی بالغ بر ۱۴ میلیون نفر از مردم ایران بی‌سواد بودند و ایجاد نهضت سوادآموزی به‌منظور کاهش این آمار بی‌سوادی بود. به استثنای سه سال اول فعالیت نهضت، به‌طور متوسط سالانه نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر در کلاس‌های سوادآموزی شرکت کرده‌اند. اما در این مسیر مشکلات زیادی وجود داشت.

سال ۱۳۹۰ موضوع دیگری نیز در نهضت سوادآموزی مطرح شد و دولت براساس حکم ماده ۳۰ قانون مدیریت خدمات کشوری، واحدهای استانی نهضت سوادآموزی را در اداره کل آموزش و پرورش استان‌ها ادغام کرد و هیات وزیران بنا به پیشنهاد معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور وقت تصویب کرد که واحدهای استانی نهضت سوادآموزی در اداره کل آموزش و پرورش استان‌ها ادغام و تحت‌مدیریت مدیرکل آموزش و پرورش اداره شوند. نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که طبق آمارهای رسمی اعلام شده ۱۰ میلیون بی‌سواد مطلق در کشور وجود دارد و این موضوعی است که باید به‌صورت جدی از سوی برنامه‌ریزان به آن پرداخته شود. نحوه عملکرد مسئولان و دولتمردان در بحث‌های حمایتی این خدمات به‌گونه‌ای بوده که جامعه

با رشد دوباره تعداد بی‌سوادان مواجه شده است که رفع این معضل بی‌شک به همکاری و همت دستگاه‌های مختلف نیاز دارد.

از سوی دیگر فعالان نهضت سوادآموزی معتقدند پیوست این سازمان به آموزش و پرورش سبب شد این مجموعه از پویایی و تحرک در کاهش آمار بی‌سوادی محروم و مشکلاتی گریبانگیر آن شود. آنان معتقدند نهضت سوادآموزی مانند قایقی تندرو و کوچک بود که می‌توانست هنگام ضرورت به‌صورت

ضربتی در اجرای برنامه‌ای خاص مشارکت کرده و پس از رسیدن به اهداف پیش‌بینی شده به ماموریتی دیگر برود ولی با متصل شدن آن به وزارت آموزش و پرورش، تحرکی که در مجموعه نهضت وجود داشت تا حدودی کاهش یافت.

به گزارش مهر آمارها نشان می‌دهند همواره تعداد زنان تقریباً دو برابر تعداد مردان در کلاس‌های نهضت سوادآموزی بوده است. این فرض وجود دارد که بی‌سوادان مرد به دلیل اشتغال و در نتیجه به دلیل کمبود وقت و خستگی مایل به تحصیل نباشند. البته باید توجه داشت که نرخ بی‌سوادی مردان معمولاً ۲۰ درصد کمتر از زنان بوده است. میزان متوسط قبولی در دوره‌های سوادآموزی

طی سال‌های ۶۸-۱۳۵۸ برابر ۴۰ درصد بوده است. نکته جالب اینکه میزان قبولی زنان همواره از مردان بیشتر بوده‌است. حاصل فعالیت‌های سوادآموزی در طول سال‌های ۶۸-۱۳۵۸ نشان می‌دهد جمعا بالغ بر ۹/۳ میلیون نفر به اخذ کارنامه قبولی از نهضت سوادآموزی شده‌اند. نکته قابل توجه اینکه بیشتر معلمان و کارکنان نهضت سوادآموزی دارای مدرک دیپلم و زیر دیپلم هستند و از نظر سطح تحصیلات بیشتر آنان در سطح پایینی هستند. جالب اینکه حتی در دفتر مرکزی نهضت سوادآموزی چند بی‌سواد مشغول به کارند.

کسری بودجه مهم‌ترین معضل آموزش و پرورش
عضو کانون صنفی معلمان به فرهیختگان می‌گوید: «براساس آماری که مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر کرده اکنون ۱۰ میلیون بی‌سواد و ۱۰ میلیون کم‌سواد در کشور وجود دارد و در نهایت آمار ۲۰ میلیونی برای کشوری مانند ایران فاجعه است و نشان می‌دهد ضعف‌های بزرگی در آموزش و پرورش وجود دارد که باید به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد.»

محمدرضا نیک‌نژاد می‌افزاید: «داستان پیوستن نهضت سوادآموزی به آموزش و پرورش خود مقوله‌ای است که باید به صورت جدی به آن پرداخت. تاکنون دوباره این تصمیم‌گیری انجام و سبب شده که هم سازمان آموزش و پرورش و هم نهضت سوادآموزی از کار و رسالت اصلی خود باز بمانند و از سوی دیگر مشکلات اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها نیز در روند افزایش بی‌سوادی در کشور بی‌تاثیر نبوده است.»

او ادامه می‌دهد: «مشکلی که آموزش و پرورش با آن دست به گریبان است پوشش افراد واجد شرایط تحصیل است، بنابراین می‌توان به این نتیجه

رسید که این سازمان نمی‌تواند مشکلات و معضلات نهضت سوادآموزی را حل کند.» او کمبود اعتبار و نبود امکانات کافی را ازجمله مشکلات اصلی وزارت آموزش و پرورش می‌داند و می‌گوید: «در بسیاری از موارد شاهد آن هستیم که وزارت آموزش و پرورش در روستاها به‌دلیل نداشتن امکانات و کمبود معلم، از نهضت سوادآموزی و آموزشیاران آن می‌خواهد نسبت به پوشش دانش‌آموزان در سن تحصیل اقدام کند که این موضوع نشان می‌دهد سیاست‌گذاری‌های این وزارتخانه نیازمند اصلاح و تغییر رویه است.»

این کارشناس حوزه آموزش و پرورش تاکید می‌کند: «در حال حاضر ۹۹ درصد بودجه آموزش و پرورش صرف حقوق و مزایای معلمان می‌شود، پس منطقی است که نتواند با یک درصد باقی‌مانده کار جدی‌ای برای نهضت سوادآموزی انجام دهد.» نیک‌نژاد یادآور می‌شود: «وزیر آموزش و پرورش چندی پیش اعلام کرد که این وزارتخانه با پنج هزار میلیارد تومان کسری بودجه مواجه است. این موضوعی است که سال‌های سال اعلام شده اما هیچ‌گونه اقدامی جدی برای آن انجام نشده است.» عضو کانون صنفی معلمان ایران با اشاره به اینکه نمی‌توان همه افراد جامعه را تحت‌پوشش سواد قرار داد، می‌گوید: «نگاهی که در برخی مناطق کشور به دلیل فقر فرهنگی و اقتصادی حاکم است، این است که خانواده‌ها فرزندان خود نشان نمی‌دهند. آنها در مورد دختران معتقدند که نیاز به سواد ندارند و باید زود شوهر کنند و پسران نیز باید کمک حال پدر و نان‌آور خانواده باشند، از این رو همه این عوامل دست به دست هم می‌دهند تا با روند افزایش آمار بی‌سوادی در کشور مواجه شویم.»

در گزارش‌های مفصل بخشی از داده‌های آماری را می‌توان در قالب اینفوگرافی ارائه کرد.

رفع معضل بی‌سوادی با حمایت دولت و مجلس
نیک‌نژاد معتقد است: «برای رفع مشکل معضل بی‌سوادی ملزم به اجرای

طرح‌های سوادآموزی هستیم و باید از سوی دولت و مجلس سیاست‌های تشویقی درنظر گرفته شود تا افراد، با در نظر گرفتن این شرایط تمایل خود را برای کسب سواد اعلام کنند.» او آمار ردیف بودجه آموزش و پرورش در کشورهای مختلف را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌گوید: «در ایران یک درصد از بودجه ناخالص ملی به آموزش و پرورش اختصاص دارد، در حالی که در کشورهای مانند ترکیه و عربستان این رقم حدود چهار تا پنج درصد و در کشورهای اروپایی تا ۱۲ درصد است، از این‌رو کشورهای آمریکای جنوبی مانند برزیل توانستند با این بودجه بی‌سودای را در کشور خود به صفر برسانند.»

عضو کانون صنفی معلمان ایران می‌گوید: «با وجود اینکه در همه دولت‌ها از نهضت سوادآموزی حمایت می‌شود و بر موضوع محو بی‌سوادی تاکید شده اما تا زمانی که مشوق‌هایی مانند دادن وام روستایی، کود ارزان‌تر، تراکتور و دیگر خدمات مورد نیاز روستاییان به آنان ارائه نشود، موفق نخواهیم شد همه افرادی را که در نهضت مشمول طرح‌های سوادآموزی هستند زیر پوشش ببریم که در این خصوص می‌طلب اقدام لازم از سوی سیاست‌گذاران کلان کشور صورت گیرد.»

او برگزاری جشن‌های ریشه‌کنی بی‌سوادی را مورد بررسی قرار می‌دهد و می‌افزاید: «براساس رهنمودهای مقام معظم رهبری در شیراز مبنی بر اینکه در اجرای برنامه‌های سوادآموزی باید گروه و قشری خاص را هدف طرح قرار داد، با سیاست‌گذاری درست صورت‌گرفته از سوی مسئولان نهضت سوادآموزی کشور مقرر شد گروه سنی ۱۰ تا ۵۰ سال تحت پوشش این طرح قرار گیرند و اگر در مناطقی ۹۷ درصد افراد آن تحت

پوشش قرار گرفتند، برای آنان جشن محو بی‌سوادی برگزار شود.»

این کارشناس آموزش و پرورش ادامه می‌دهد: «اجرای این طرح بسیار موفقیت‌آمیز بود و اگر ادامه پیدا می‌کرد بی‌شک دیگر نیازی به سازمان نهضت سوادآموزی نبود و آمار بی‌سودان کشور با کاهش چشمگیری روبه‌رو می‌شد. همچنین فرمایشات مقام معظم رهبری در محو بی‌سوادی از افراد جامعه هدف عملی می‌شد، اما این اقدام استمرار نداشت.»

نیک‌نژاد می‌گوید: «در سال‌های اول انقلاب با توجه به وضعیت روستاها و امکانات رسانه‌ای که وجود داشت آمار بی‌سودان ۱۰ میلیون نفر بود. این مساله نشان می‌دهد نه تنها در کاهش این آمار موفق نبودیم بلکه عقبگرد شرم‌آوری داشتیم و برای این کشوری مانند ایران جای تاسف دارد.»

استان‌های مرزی بیشترین محروم از تحصیل
عضو کانون معلمان ایران می‌گوید: «اگر مقایسه‌ای بین شهرهای مرکزی و نقاط مرزی صورت گیرد به راحتی متوجه می‌شوید که بیشترین آمار افراد بازمانده از تحصیل مربوط به روستاهای شرق استان‌های خراسان، سیستان و بلوچستان و اکثر مناطق محروم استان‌های جنوبی هستند که دلیل آن هم فقر فرهنگی و اقتصادی خانواده‌هاست.» او سرمایه‌گذاری مناسب و تحصیل رایگان برای افراد محروم و بازمانده از تحصیل در این مناطق را عامل تشویقی می‌داند و می‌گوید: «اگر خانواده متوجه شود که تحصیل دختر و پسر نه تنها ضرر مالی برای آنها ندارد بلکه به پیشرفت آنها کمک می‌کند بی‌شک با آن مخالفت نخواهند کرد.» او یادآور می‌شود: «در دولت هفتم و حتی پیش از آن بودجه آموزش و پرورش چیزی معادل بودجه امروز آموزش و پرورش است و با توجه به تورم به راحتی می‌توان متوجه شد که نه تنها این حوزه با افزایش بودجه مواجه نبوده بلکه پسررفت هم داشته است و ضرر آن نیز متوجه محرومان و بازماندگان از تحصیل می‌شود.»

نیک‌نژاد رفع مشکلات حوزه آموزش و پرورش را منوط به همکاری دولت و مجلس می‌داند و می‌افزاید: «اکنون که وقت تعیین بودجه سال ۹۴ است بهترین فرصت خواهد بود تا وزیر آموزش و پرورش برای گرفتن بودجه بیشتر تلاش کند تا در این زمینه شاهد پیشرفت و توسعه باشیم.» او تاکید می‌کند: «با یک سو اگر مجلس و دولت دغدغه رفع معضل بی‌سوادی را دارند باید دست به دست هم دهند و از سوی دیگر برای محرومان و بازماندگان از تحصیل انگیزه‌ای ایجاد کنند تا به راحتی بتوانند بایزده‌گیری از تجارب کشورهای دیگر این معضل را برطرف کرد

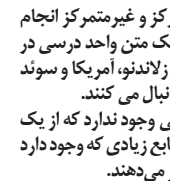
داشته است و ضرر آن نیز متوجه محرومان و بازماندگان از تحصیل می‌شود.» نیک‌نژاد رفع مشکلات حوزه آموزش و پرورش را منوط به همکاری دولت و مجلس می‌داند و می‌افزاید: «اکنون که وقت تعیین بودجه سال ۹۴ است بهترین فرصت خواهد بود تا وزیر آموزش و پرورش برای گرفتن بودجه بیشتر تلاش کند تا در این زمینه شاهد پیشرفت و توسعه باشیم.» او تاکید می‌کند: «با یک سو اگر مجلس و دولت دغدغه رفع معضل بی‌سوادی را دارند باید دست به دست هم دهند و از سوی دیگر برای محرومان و بازماندگان از تحصیل انگیزه ایجاد کنند تا به راحتی بتوانند بهره‌گیری از تجارب کشورهای دیگر این معضل را برطرف کرد.»



کتاب‌های درسی متمرکز و غیر متمرکز

تولید و بهره‌گیری از کتاب‌های درسی در کشورهای مختلف جهان به شیوه متمرکز و غیرمتمرکز انجام می‌شود. در ایران، استفاده از کتاب‌های درسی به شیوه متمرکز است؛ یعنی یک متن واحد درسی در سراسر کشور تدریس می‌شود. اما در کشورهای نظیر انگلستان، استرالیا، ژاپن، آمریکا و سوئد به کارگیری کتاب‌های درسی غیرمتمرکز است زیرا هدف خاصی را در این زمینه دنبال می‌کنند. مدرسه‌ها تلاش می‌کنند به هدف‌های برنامه ملی نزدیک شوند اما هیچ ضرورتی وجود ندارد که از یک کتاب درسی واحد برای رسیدن به این هدف‌ها کمک بگیرند، بلکه معلمان از بین منابع زیادی که وجود دارد منابعی را که می‌خواهند تدریس کنند، گزینش کرده و در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند.

#



یادداشت

آموزش و پرورش و موج بی‌سوادی

مجلس شورای اسلامی طبق سرشماری‌ای که در سال ۱۳۹۰ انجام داد اعلام کرد سه میلیون کودک بازمانده از تحصیل در کشور وجود دارد و در آخرین آمار هم اعلام شد ۱۰۰ هزار کودک برای سال اول ابتدایی ثبت‌نام نشده‌اند، بخشی از این کودکان به دلیل اینکه از پدر افغانی و مادر ایرانی هستند شناسنامه ندارند تا بتوانند در مدرسه ثبت‌نام کنند. اگر بخواهیم دقیق‌تر درباره وضعیت سطح سواد در شهرهای مختلف کشور صحبت کنیم باید بگوییم براساس آمارهای مرکز پژوهش‌های مجلس، ایران در حال حاضر دارای ۱۰ میلیون بی‌سواد و ۱۰ میلیون کم‌سواد است که کم‌سودان تحصیلاتی کمتر از پنجم ابتدایی دارند. راهکاری که می‌توان برای این مشکل در نظر گرفت این است که در این زمینه از تجربیات کشورهای دیگر استفاده کنیم. تجربه در کشورهای مختلف نشان داده با یک برنامه‌ریزی درست و دقیق می‌توان در یک دوره ۱۰ ساله این معضل را ریشه‌کن کرد. اگر برای رفع این معضل اقدامی صورت نگیرد در آینده سطح علمی کشور دستخوش چالش‌های متعددی خواهد شد، از این رو باید با اجرای برنامه دقیق دانش‌آموزان بازمانده از تحصیل را تحت پوشش سوادآموزی قرار داد تا از یک‌سو هم آینده علمی کشور به خطر نیفتد و هم آمار کم‌سوادی و بی‌سوادی افزایش نیابد. نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد. از سوی دیگر آموزش و پرورش اعلام کرده که حدود دو میلیون نفر از والدین دانش‌آموزان بی‌سواد هستند. اگر این مساله را بپذیریم افت تحصیلی دانش‌آموزان مهم‌ترین موضوعی خواهد بود که رخ می‌دهد، موضوعی که از سوی برنامه‌ریزان سابق آموزش و پرورش وجود آن انکار و با برنامه‌های عجیب و حذف مردودی در دوره دبیرستان تلاش شد رسیدگی به آن فراموش شود و با پاک کردن مساله، پیداکردن راهکاری برای حل آن نیز از دستور کار خارج شود.

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدین است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

نکته مهمی که باید آن را مد نظر داشت، تاثیر بی‌سوادی والدینی است که فرزندان آنان در حال تحصیل هستند؛ تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان فرزندان و والدین رابطه مستقیمی با انگیزه یا بی‌انگیزه شدن فرزندان دارد

سوادآموزی و گره‌های ناگشوده

آمارهای گوناگونی درباره شمار بی‌سودان در کشور منتشر می‌شود. جدای از اینکه این آمارها تا چه اندازه درست هستند، کاربه‌دستان دولتی به‌گونه‌ای خوشبینانه روند از میان برداشتن بی‌سوادی و روش‌های به‌کارگرفته شده را کامیاب می‌پندارند و از دیگرسو، منتقدان آنها را ناکارآمد و شکست‌خورده می‌دانند. برای ارزیابی یک



محمدرضا نیک‌نژاد
آموزش و پرورش

کارشناس

آموزش و پرورش

پدیده، نخست باید سنجه‌ای پذیرفتنی برای آن تعریف کرد تا در سردرگمی و به بیراهه رفتن تحلیل‌ها جلوگیری شود. اگر تعریف یونسکو از سواد را پایه برداشتنی فراگیر از این دشواره بدانیم، در آن می‌خوانیم: «باسوادیت توانایی شناخت، درک، تفسیر، ساخت، برقراری ارتباط و محاسبه در استفاده از مواد چاپ‌شده و نوشته‌شده مربوط به زمینه‌های گوناگون است. باسوادی زنجیره آموزشی را که توانایی رسیدن به اهداف، توسعه دانش و پتانسیل و شرکت کامل در جامعه‌ای بزرگ‌تر را برای یک فرد فراهم می‌کند، دربردارد.» بی‌گمان با پذیرش این تعریف، بسیاری از باسوادان و حتی دانش‌آموختگان ما نیز در جرگه بی‌سودان قرار می‌گیرند. برای رسیدن به شاخص‌های یونسکو، نیاز به دگرگونی‌های گسترده در نهادهای آموزش و فرآیندهای آن داریم. اما اگر نه تعریف یونسکو از با سوادی، بلکه دیدگاه کاربه‌دستان سازمان نهضت سوادآموزی یعنی توانایی خواندن و نوشتن را سنجه بسوادیت شهروندان قرار دهیم، امروزه نزدیک به ۱۰ میلیون نفر از ایرانیان بی‌سواد مطلق به‌شمار می‌آیند و شوربخانه هر روز بر شمار آنها افزوده می‌شود. عواملی همچون فقر اقتصادی و فرهنگی – به‌ویژه در مناطق ناخرودار- روزبه‌روز بر این گرفتاری دامن می‌زند. اما راه چاره چیست؟ سازمان نهضت سوادآموزی یکی از نهادهای زیرمجموعه آموزش و پرورش است. امروزه آموزش و پرورش خود گرفتار دشواری‌های بنیادینی همچون اقتصاد، بی‌کیفیت بودن آموزش، ناکارآمدی روش‌های سنتی و از همه ریشه‌ای‌تر فاصله فراخ هدف‌های آن با هدف‌های نوین آموزشی است. وزارت‌خانه‌ای که چنین گرفتاری‌های زمین‌گیرکننده‌ای دارد، چگونه می‌تواند عواکش دیگری شود. برای نمونه آمار نوآموزان آموزش و پرورش دولتی ۱۲/۶ میلیون و بودجه سال ۹۴ این وزارتخانه نزدیک به ۲۵ هزار میلیارد تومان است. بودجه نهضت سوادآموزی با شش درصد افزایش، از دو هزار و ۲۸۰ میلیارد ریال به دو هزار و ۳۳۲ میلیارد ریال افزایش یافته است که یک درصد از کل بودجه پیشنهادی آموزش و پرورش است. با در نظر گرفتن اینکه نزدیک به ۹۹ درصد بودجه آموزش و پرورش صرف پرداخت دستمزدها می‌شود، آیا آموزش و پرورش از پس باسواد کردن ۱۰ میلیون بی‌سواد برمی‌آید؟ از سویی این سازمان که قرار است آموزش طیف گسترده سنی- طبقاتی را برعهده داشته باشد، نیازمند امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری ویژه است، آیا امکانات آموزش و پرورش می‌تواند گرهی از صدها دشواری خود و نهضت سوادآموزی و حدود ۲۳ میلیون دانش‌آموز و سوادآموز باز کند؟ فرآیند سوادآموزی در کشور، چشم به راه طرحی نو است که بی‌گمان از دل آموزش و پرورش درمی‌آید. اگر کاربه‌دستان این سازمان دلگرا ن‌سرنوشت آمار فراینده بی‌سوادی در کشورند، یسا باید برای جدا کردن آن از آموزش و پرورش تلاش کنند یا بودجه و امکانات آموزش و پرورش را دست‌کم به دو برابر مقدار کنونی آن افزایش دهند. اما آیا این کار شدنی است؟